

## Research Paper

# Discovering the Challenges of Iranian Women Married to Afghan Citizens: A Case Study of Fars Province

Mahboobeh Alborzi\*

Associate Professor, Department of Foundations of Education, Faculty of Education and psychology, Shiraz University, Shiraz, Iran.

Received: 2020/07/19

Revised: 2021/07/03

Accepted: 2021/08/03

Use your device to scan and read the article online



DOI:

10.30495/jzv.2022.25482.3304

### Keywords:

Marriage, Iranian women, Satisfaction of Marriage, social Consequences, Afghan immigrant

### Abstract

**Introduction:** The aim of this study was to investigate satisfaction and consequences of marriage between Iranian women and immigrant Afghan men. Potential research participants were selected based on the principle of sampling with maximum diversity and the principle of sample saturation and were examined by in-depth semi-structured interview (31 subjects in Fars Province). Regarding the type of the research, two main questions were considered during the interviews, including satisfaction from marriage and consequences of marriage.

**Methods:** The method of this qualitative research was of a kind of phenomenology, in other words, the descriptive phenomenological approach (Husserl phenomenology) was chosen.

**Findings:** The analysis of the content of the interviews showed that there are 8 basic themes (feelings of humiliation, household economic needs, individual financial needs ...), 3 organizer themes (financial dissatisfaction, marital dissatisfaction, socio-cultural dissatisfaction) and 1 pervasive theme (dissatisfaction). In the study of social consequences, there were 33 basic themes (interaction with peers, interaction with family and family, non-acceptance in social situations, lack of social rights, ...), 13 organizer themes (family welfare, psychological well-being, legal protection, Cultural adaptability etc.) and 5 global themes (social isolation, socialization, social skills, children's harm, and social capital)

**Citation:** Alborzi M. Discovery the Challenges of Marriage of Iranian Women to Afghan Citizens: A Case Study of Fars Province Quarterly Journal of Women and Society. 2022; 12 (48): 33-50. doi: 10.30495/jzv.2022.25482.3304

\*Corresponding author: Mahboobeh Alborzi

**Address:** Associate Professor, Department of Foundations of Education, Faculty of Education and psychology, Shiraz University, Shiraz, Iran.

**Tell:** 09177898433

**Email:** mahboobeh.alborzi@gmail.com

## Extended Abstract

### Introduction

Numerous problems, including unemployment and insecurity in Afghanistan, led to the migration of large numbers of Afghan men to Iran. On the other hand in Iran, during the early years after the Islamic Revolution, the migration of a large group of Afghans to Iran began and the result of this migration was marriage and family formation between Afghan immigrant men and Iranian women. In this regard, numerous studies indicate that such marriages have affected the family and individual conditions of women and children (1,2). In this way, the purpose of this study was to investigate satisfaction and the reasons for Iranian women to marry Afghan immigrants and the consequences of these marriages.

### Methods

The present study was conducted in a qualitative manner of Husserl's phenomenology. In qualitative research, the researcher has acted purposefully to select the subjects. In the present study, the principle of sampling with maximum diversity and the principle of saturation have been used in sample selection. In this regard, Iranian women who were married to Afghan immigrants and had been married for more than three years were selected and interviewed (31 subjects). Interviews were analyzed using a network of topics analysis (basic, organizing and global themes).

### Findings

Regarding the first question of the research, the analysis of the interviews showed that most of the interviewees expressed dissatisfaction, but expressed different reasons such as dissatisfaction. There are 8 basic themes (feelings of humiliation, household economic needs, individual financial needs ...), 3 organizer themes (financial dissatisfaction, marital dissatisfaction, socio-cultural dissatisfaction) and one global theme (dissatisfaction). In the study of social consequences, there were 33 basic themes (interaction with peers, interaction with family

and family, non-acceptance in social situations, lack of social rights, ...), 13 organizer themes (family welfare, psychological well-being, legal protection, Cultural adaptability, etc.) and 5 global themes (social isolation, socialization, social skills, children's harm, and social capital).

### Discussion

The findings of the present study showed that Iranian women were generally dissatisfied with their marriage and most of the reasons were related to the lack of individual and social rights for their children and also the elimination of their social privileges in cases such as social isolation, social harm, cultural and social problems.

### Conclusion

According to the results, the necessity of attention and legal requirements for the marriage of Iranian women with foreign citizens is inevitable, and it is possible to prevent many personal and social harms by appropriate prevention.

### Ethical Considerations

#### Compliance with ethical guidelines

All participants in the study participated in the study by filling out a consent form, and the researchers assured them that the results of the research were confidential.

### Funding

The article is an excerpt from the research project of Administration of foreign nationals of Fars Province, which was written by the author of the project

### Authors' contributions

Design, conceptualization, methodology, data analysis and final writing: Mahboobeh Alborzi

### Conflicts of interest

This research is not in conflict with personal or organizational interests.

## مقاله پژوهشی

## واکاوی چالش های ازدواج بانوان ایرانی با اتباع افغان: مطالعه موردی استان فارس

محبوبه البرزی\*

دانشیار بخش مبانی تعلیم و تربیت، دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران

## چکیده

**هدف:** هدف پژوهش حاضر واکاوی رضایت و پیامدهای حاصل از ازدواج بانوان ایرانی با مردان مهاجر افغان بود.

**روش:** پژوهش به شیوه کیفی از نوع پدیدارشناسی انجام گرفت. رویکرد پژوهش پدیدارشناسی توصیفی (پدیدارشناسی هوسرل) انتخاب گردید. مشارکت کنندگان بالقوه پژوهش، براساس اصل نمونه‌گیری با حداکثر تنوع و اصل اشباع شدگی نمونه بصورت هدفمند انتخاب و با مصاحبه نیمه ساختارمند، بررسی شدند (۳۱ مورد از استان فارس). روش تحلیل شبکه مضامین برای استخراج یافته های پژوهش انتخاب شد.

**یافته‌ها:** در تحلیل محتوای مصاحبه ها در خصوص میزان رضایت از ازدواج تعداد هشت مضمون پایه (احساس حقارت، نیازهای اقتصادی خانواده، نیازهای مالی فردی و...) سه مضمون سازمان دهنده (نارضایتی مالی، نارضایتی از زندگی زناشویی، نارضایتی اجتماعی-فرهنگی) و یک مضمون فراگیر (عدم رضایت) به دست آمد. در بررسی پیامدها تعداد ۳۳ مضمون پایه (تعامل با همسالان، تعامل با خانواده و فامیل، عدم پذیرش در موقعیت های اجتماعی، عدم حقوق اجتماعی و...)، ۱۳ مضمون سازمان دهنده (بهریستی خانوادگی، بهزیستی روانی، حمایت قانونی، جرأت ورزی، انطباق پذیری فرهنگی و...) و ۵ مضمون فراگیر (انزوای اجتماعی، جامعه پذیری، مهارت های اجتماعی، آسیب های فرزندان و سرمایه اجتماعی) به دست آمد.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۴/۲۶

تاریخ داوری: ۱۴۰۰/۰۴/۱۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۵/۱۲

از دستگاه خود برای اسکن و خواندن مقاله به صورت آنلاین استفاده کنید



DOI:

10.30495/jzvj.2022.25482.3304

## واژه‌های کلیدی:

ازدواج، بانوان ایرانی، رضایت از ازدواج، پیامدهای اجتماعی، اتباع افغان

\* نویسنده مسئول: محبوبه البرزی

نشانی: دانشیار بخش مبانی تعلیم و تربیت، دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران

تلفن: ۰۹۱۷۷۸۹۸۴۳۳

پست الکترونیکی: mahboobeh.alborzi@gmail.com

## مقدمه

خانوادگی و فردی زنان و فرزندان را تحت تأثیر قرار داده است (۱،۲). در این گونه ازدواج‌ها که غالباً در مناطق روستایی و در خانواده‌های فرودست اتفاق می‌افتد تابعیت زنان ایرانی سلب می‌شود و از سویی برای فرزندان ناشی از این ازدواج‌ها نیز مشکلات متعددی ایجاد می‌شود. همچنین در سال‌های اخیر با بازگشت شوهران این زنان به کشورهای خود، همسران ایرانی آنان در ایران ماندگار شده، کودکان آنان بی‌سرپرست و بی‌تابعیت و فاقد شناسنامه شدند و وضعیتی پدید آمد که از آن با عنوان کودکان بی‌هویت نام برده می‌شود (۱۱، ۱۰ و ۱۲). از سوی دیگر، اختلاف فرهنگی و سنتی خانواده‌های ایرانی با افغان‌ها و بعضاً نپذیرفتن اینگونه ازدواج‌ها از سوی عضو ایرانی، مشکلات روحی و روانی برای بانوان و خانواده‌هایشان ایجاد می‌کند (۱۳). تا جایی که آنان چه با همسر و چه بدون همسر، گرفتار آسیب‌های روحی و روانی فراوان از جمله افسردگی، انزوا، اعتیاد و... می‌گردند (۱۴، ۱۵، ۱۶). در مجموع می‌توان رایج‌ترین پیامدهای ناشی از این ازدواج‌ها را نداشتن مدارک رسمی و قانونی زوجین در اثبات زوجیت، صادر نشدن شناسنامه برای فرزندان و به رسمیت نشناختن تابعیت ایرانی‌ها تا پایان ۱۸ سالگی، بلاتکلیف ماندن همسر و فرزندان آنها در صورت ترک یا بازگشت اتباع افغان به کشورشان و محرومیت از سایر حقوق شهروندی که مختص ایرانیان است مطرح نمود که به طور جدی، جامعه را به چالش کشیده است (۱۷). در بررسی پژوهش‌هایی که درخصوص ازدواج بانوان ایرانی با مردان افغان انجام گرفته است، مشاهده شد که بیشتر پژوهش‌ها پیرامون مسائل حقوقی و قانونی حاکم بر این ازدواج‌ها بوده است. برای نمونه در پژوهشی به بررسی امکان گسترش حمایت‌های حقوقی در مورد ازدواج زنان با اتباع غیرایرانی پرداخته شد و نتایج نشان داد که قوانین حمایتی در فرض ازدواج زن ایرانی با مرد غیر ایرانی بیشتر در قالب محدودیت‌ها است و حمایت لازم را ندارد. آن‌ها همچنین بیان می‌کنند که دلیل اهمیت خانواده، لزوم حمایت بیشتر احساس می‌شود (۱). پوراحمد، زیاری و زاهدی در پژوهشی با عنوان سنجش کیفیت زندگی شهری مهاجران افغان مقیم ایران با رویکرد ذهنی در شهر رباط کریم نشان دادند شرایط کیفیت زندگی مهاجران در این شهر پایین و کمتر از حد متوسط است (۱۸). ایمانی نایینی، صادقی و عابدی در پژوهشی به بررسی مقایسه‌ای رضایتمندی زناشویی بین زنان ایرانی ازدواج کرده با مردان ایرانی و غیر ایرانی پرداختند. یافته‌های پژوهش آن‌ها نشان داد میزان رضایتمندی گروه دارای ازدواج ساده بیش از گروه دارای ازدواج مختلط است (۱). یزدان‌پناه‌درو نیز پژوهشی را با عنوان بررسی ازدواج مردان مهاجر افغان با دختران ایرانی و آثار و پیامدهای اجتماعی آن بر کشور بر مبنای جغرافیای جرم و آسیب‌های اجتماعی انجام

خانواده به عنوان نهاد اساسی زندگی اجتماعی و عنصر اصلی شکل‌گیری جامعه محسوب می‌شود و اولین قانونی است که فرد در آن حضور می‌یابد، رشد می‌کند و تربیت می‌شود. آنچه در خانواده، تحولات، کارکردها و عملکردهای مختلف آن حائز اهمیت است، چگونگی تشکیل خانواده یا به عبارتی ازدواج، قوانین، سنت‌ها و ارزش‌های حاکم بر آن است که به عنوان نقطه شروع خانواده، بسیاری از وظایف این نهاد را تعریف و مشخص می‌کند (۳). در تمام جوامع پایه اصلی شکل‌گیری خانواده با ازدواج زن و مرد آغاز می‌شود و ازدواج زیربنای اصلی ساختار اجتماع است (۴) که نقش مهمی در عملکرد جامعه از طریق ایجاد بستری برای ارضای نیازهای عاطفی، اقتصادی و روانی اعضای آن دارد (۵). در دهه‌های اخیر اشکال متعددی از ازدواج در افراد جوامع مختلف ایجاد شده است که یکی از آنها ازدواج بین افراد دو کشور می‌باشد. ازدواج زنان ایرانی با اتباع خارجی از دیرزمان در کشور ما مخصوصاً در مناطق مرزی مرسوم بوده و به علت اتفاقات و جنگ‌های داخلی و خارجی در برخی از کشورهای همسایه، در سال‌های اخیر این کار قوت بیشتری به خود گرفته است؛ هرچند که فی‌نفسه ازدواج زن مسلمان ایرانی با هر مسلمان دیگر از لحاظ فقهی و قانونی ممانعتی ندارد ولی برای آن از لحاظ قانونی محدودیت‌ها و شرایطی در نظر گرفته شده است و بعضی از این ازدواج‌ها خواسته یا ناخواسته برای زوجین، خانواده‌ها و حتی کشور ما مشکلاتی را بوجود آورده است (۶). همزمان با اشغال افغانستان در سال ۱۹۷۹ میلادی و شعله‌ور شدن جنگ داخلی و نابسامانی اوضاع داخلی و نزدیکی و اشتراک نظر بین گروه‌های جهادی افغان و گروه‌های انقلابی در ایران از سوی دیگر، در طی سال‌های اولیه پس از انقلاب اسلامی ایران، مهاجرت گروه زیادی از افغانستانی‌ها به سوی ایران آغاز شد (۷) و حاصل این مهاجرت ازدواج و تشکیل خانواده بین مردان مهاجر افغان با بانوان ایرانی بود. در بیشتر نظریه‌های مربوط به مهاجرت موضوع مسائل اقتصادی و نیازهای جوامع به رفع احتیاجات اولیه زندگی مورد تأکید بوده است از جمله در نظریه‌های اقتصاد نئوکلاسیک، (نظریه کلان و خرد)، نظریه سیستم جهانی و نظریه بازارکار دوگانه که البته در این خصوص نظریه‌های دیگری نیز به عواملی گسترده‌تر از اقتصاد شامل مسائل سیاسی، فرهنگی و اجتماعی در تبیین مهاجرت پرداخته‌اند از جمله نظریه جاذبه و دافعه و نظریه کارکردگرایی مهاجرت‌گرایی (۸،۹). آنچه در پدیده مهاجرت قابل توجه است پیامدهای فرد مهاجر و جامعه مهاجر پذیر است که در پژوهش‌های متعددی بررسی شده است. در این خصوص پژوهش‌های متعدد حاکی از آن است که این گونه ازدواج‌ها افزون بر به‌وجود آمدن مشکلات اجتماعی و حتی سیاسی، شرایط

به لحاظ اشتغال است. فاکتورهای اصلی اشتغال در استان فارس کشاورزی و صنعت ساختمان می‌باشد. زمانی که این دو حوزه دارای وضعیت مطلوب‌تری بوده‌اند، حضور اتباع افغان در استان فارس افزایش یافته است؛ از سوی دیگر مردم استان فارس نسبت به استان‌های دیگر کارگران یا مهاجرانی که به قصد اشتغال وارد استان می‌شوند را بیشتر پذیرش می‌کنند و معتقدند کارگران افغان در برخی زمینه‌ها بهتر کار می‌کنند. این اعتقاد هم در حوزه کشاورزی و هم در حوزه ساختمان وجود دارد. به عنوان مثال در برخی مناطق استان فارس که حرفه کشاورزی بسیار فراگیر است مانند شهرستان مرودشت و روستاهای اطرافش و همچنین شهرستان اقلید که قطب چغندرکاری استان فارس است با بیشترین حضور کارگران افغان مواجه هستیم. این حضور ممکن است موقتی و در فصل‌های کشاورزی باشد و یا ممکن است دائمی باشد (۲۳). جمشیدی‌ها و عنبری نیز بیان می‌کنند یکی از ویژگی‌های مهاجرین افغان سکونت در حاشیه شهرهای متعدد از جمله شیراز می‌باشد. علت این امر عمدتاً شرایط مناسب این شهرها به لحاظ فراوانی جمعیت و وجود فرصت‌های شغلی و اجتماعی بیشتر است. رشد و گسترش صنایع ساختمان‌سازی در این شهرها و نیاز به کارگران ساده و کم تخصص از مهمترین عوامل جذب این گروه مهاجرین بوده است (۲۴).

در مجموع با بررسی یافته‌های پژوهش‌های انجام شده که تأکید بر شناخت پیامدهای حاصل از ازدواج بانوان ایرانی با اتباع افغان دارد و با توجه به آن که استان فارس از جمله استان‌های مهاجر پذیر برای اتباع افغان بوده است شناخت و بررسی اطلاعات به روز در خصوص ازدواج اتباع افغان با بانوان ایرانی حائز اهمیت است. به‌ویژه با توجه به اینکه شناخت آسیب‌های حاصل از ازدواج بانوان ایرانی با اتباع افغان می‌تواند در برنامه‌ریزی‌ها و آگاهی بخشی‌های لازم نقش اساسی داشته باشد و همچنین آگاه‌سازی از پیامدهای ازدواج با اتباع افغانی برای دختران جوان و والدین آن‌ها و نیز آگاه‌سازی مسئولین نسبت به توجه به حقوق افرادی که با اتباع افغانی ازدواج می‌کنند ضروری و مهم به نظر می‌رسد و همچنین با توجه به اهمیت موضوع و کمبود پژوهش‌های انجام شده در این زمینه در استان فارس به‌ویژه به شیوه کیفی، پژوهش حاضر به دنبال بررسی میزان رضایت و شناخت دلایل آن در ازدواج بانوان ایرانی با اتباع افغان و بررسی پیامدهای حاصل از ازدواج بانوان ایرانی با اتباع افغان بود که بر اساس آن دو سوال اصلی مورد بررسی قرار گرفت:

- ۱- بانوان ایرانی که با مردان تبعه افغان ازدواج کرده‌اند رضایت خود از ازدواجشان را چگونه توصیف می‌کنند؟
- ۲- ازدواج بانوان ایرانی با مردان تبعه افغان چه پیامدهایی داشته است؟

داد و دریافت ازدواج زنان ایرانی با اتباع خارجی به‌ویژه افغان‌ها عواقب جبران‌ناپذیری از جمله ترک، طلاق، بی‌هویتی در جامعه، صادر نشدن مدارک شناسایی و عدم تحصیل فرزندان بدنال دارد (۱۲). نتایج پژوهش اعظم‌آزاده و مظفری با عنوان طرد اجتماعی زنان ایرانی ازدواج کرده با اتباع خارجی و عوامل مؤثر بر آن نیز نشان داد که طرد اجتماعی و محرومیت همه جانبه زنان ازدواج کرده با اتباع بیگانه پیامدهای منفی حاصل از این ازدواج‌ها است که غالباً در مناطق روستایی و در خانواده‌های فرودست اتفاق می‌افتد (۲). علاوه بر این در سال‌های اخیر با بازگشت شوهران این زنان به کشورهای خود، همسران ایرانی آنان در ایران ماندگار شده، کودکان آنان بی‌سرپرست و بی‌تابعیت و فاقد شناسنامه شدند و وضعیتی پدید آمده که از آن با عنوان کودکان بی‌هویتی نام برده می‌شود (۱۰). غیرقانونی بودن ازدواج با اتباع غیرمجاز، مشکلات شناسنامه‌ای، تحصیلی، بهداشتی و اسکان فرزندان آنان را در پی دارد (۱۱). در واقع این کودکان از بسیاری از حقوق محروم می‌شوند و با مشکلات عدیده‌ای روبرو هستند و به‌طور بالقوه در معرض آسیب‌های اجتماعی قرار دارند و ممکن است در آینده جامعه را با مشکلات ناشی از ناهنجاری‌ها و جرائم خود روبرو کنند (۱۰). در این خصوص پژوهش‌های خارجی نیز موید نتایج بوده است چنانچه نتایج پژوهش شرکت با عنوان ازدواج بین‌المللی مذهبی در ایالات متحده نیز نشان داد که اختلاف دینی در خانواده‌ها مشکلاتی را برای ازدواج به وجود می‌آورد و این مشکلات باعث کاهش رضایت زناشویی و جدایی می‌شود. به گفته او پژوهش‌های موردی در ارتباط با چنین زوج‌هایی نشان داده است که آن‌ها در زمینه واردشدن به شبکه‌های اجتماعی و خانوادگی بزرگتر با مشکلاتی مواجه می‌شوند (۲۰). در پژوهشی مشابه پریشانی‌های روانی افرادی که ازدواج‌های بین‌نژادی داشتند را با زوج‌های هم‌نژاد مقایسه کردند و دریافتند ازدواج بین‌نژادی در مردان بومی آمریکا، زنان سفید پوست و زنان و مردان اسپانیایی که با همسران غیرسفیدپوست ازدواج کرده‌اند، در مقایسه با کسانی از همین گروه‌ها که با هم‌نژاد خود ازدواج کرده‌اند، با افزایش پریشانی روانی و روان نژندی همراه بوده است (۲۱). هیلر و شنی نیز در پژوهشی دریافتند خانواده‌های دارای ازدواج بین‌نژادی به لحاظ اجتماعی، منزوی هستند. آن‌ها علت اولیه انزوای اجتماعی این زوج‌ها را ناشی از موضوع نژاد و نژادپرستی دانستند (۲۲).

بر اساس یافته‌های ذکر شده انجام پژوهش در خصوص ازدواج بانوان ایرانی با اتباع افغان از ضروریات در برنامه‌ریزی‌ها و حمایت‌های دولتی و قانونی از آنان می‌باشد. در میان استان‌های کشور، استان فارس از جمله استان‌های مهاجر پذیر بویژه اتباع افغان بوده است. می‌توان گفت این استان دارای شرایط خاصی

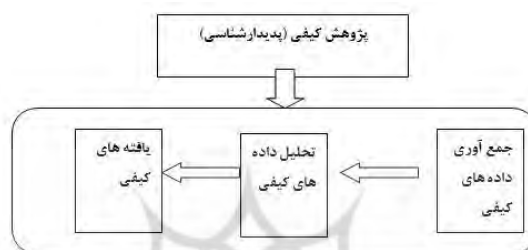
## طرح پژوهش

پژوهش حاضر به شیوه کیفی از نوع پدیدارشناسی انجام گرفت. پدیدارشناسی مطالعه تجربه زیسته افراد می باشد که با توجه به آنچه بدست آورده یا از دست داده اند و تجربه کرده اند انجام می شود. بنابراین در پژوهش حاضر که هدف واکاوی چالش های بانوان ایرانی از ازدواج با اتباع افغان بود، شیوه پدیدارشناسی انتخاب گردید. به طور کلی دو رویکرد در پدیدارشناسی حاکم است که یکی به رویکرد توصیفی (پدیدارشناسی هوسرلی) و دیگری به رویکرد تفسیری شناخته می شود. اما هم رویکرد توصیفی و هم تفسیری هدفی مشابه دارند و روش های تجزیه و تحلیل آنها با هم همپوشانی زیادی دارد (۲۵) لذا بعضی پژوهشگران، به پیروی از هوسرل و پیروان او

پدیدارشناسی توصیفی را انتخاب می کنند در حالی که بعضی دیگر از پژوهشگران عقاید هایدگر و پیروان او را که رویکرد پدیدارشناسی تفسیری است، انتخاب می کنند؛ در حالی که هیچ کدام از این رویکردها اشتباه نیستند چرا که این روش ها صرفاً معبری برای مطالعه تجربه زنده به روش های متفاوت هستند.

از این رو، در پژوهش حاضر با توجه به آنکه هدف شناخت چالش های ازدواج بانوان ایرانی بود و به بررسی رضایتمندی و دلایل آن و همچنین پیامدهای حاصل از ازدواج می پردازد، رویکرد پدیدارشناسی توصیفی (پدیدارشناسی هوسرل) انتخاب گردید.

(نمودار شماره یک فرایند پژوهش کیفی پدیدارشناختی را نشان می دهد).



نمودار ۱- فرایند پژوهش کیفی پدیدارشناختی (۲۵)

اداره اتباع بیگانه استان در اختیار محقق قرار گرفتند و بعد از جلب نظر آنان برای شرکت در پژوهش مصاحبه شدند که البته در این گروه کسانی هم معرفی شده بودند که تمایل نداشتند و اطمینان به مصاحبه نداشتند و مورد مصاحبه قرار نگرفتند و حذف شدند. گروهی دیگر که توسط محقق از طریق فرزندان آنان که عموماً درناحیه ۳ آموزش و پرورش تحصیل می کردند شناسایی شدند و بعد از جلب نظر و موافقت مورد مصاحبه قرار گرفتند. قابل ذکر است در مصاحبه های انجام شده کلیه نکات اخلاقی از جمله موافقت آگاهانه، آشکار بودن ماهیت پژوهش و پژوهشگر و پیشگیری از هر گونه خسارت و صدمه به شرکت کنندگان، ضبط مصاحبه با اجازه شرکت کنندگان و قدردانی از شرکت کنندگان جهت حضور در مصاحبه و پژوهش با تقدیم هدایا مورد توجه قرار گرفت.

## مشارکت کنندگان بالقوهی پژوهش و روش انتخاب

با استناد به دیدگاه پتن (۲۶) پژوهشگر در نوع تحقیقات کیفی برای انتخاب افراد مورد مطالعه به شیوه هدفمند عمل نموده است؛ به گونه ای که بهترین و بیشترین اطلاعات را در قلمرو موضوع پژوهش به پژوهشگر می دهد. در پژوهش حاضر از اصل نمونه گیری با حداکثر تنوع و اصل اشباع شدگی در انتخاب نمونه استفاده شده است. در این خصوص بانوان ایرانی که با تبعه افغان ازدواج کرده بودند و سابقه ازدواج آنان بالای ۳ سال بود انتخاب شدند و مورد مصاحبه قرار گرفتند. در این خصوص بعد از انجام ۳۱ مصاحبه اطلاعات به حد اشباع رسید (جدول ۱). درارتباط با انتخاب شرکت کنندگان نکته قابل توجه آن است که کلیه شرکت کنندگان به دو شیوه در دسترس قرار گرفتند: گروهی که از طرف

جدول ۱- مشخصات شرکت کنندگان در پژوهش

ردیف	سن	مدت ازدواج	تعداد فرزندان	تحصیلات	شغل همسر	تحصیلات همسر
۱	۲۵	۳ سال	۱ فرزند	ابتدایی	کارگر	سوم ابتدایی
۲	۳۲	۵ سال	۲ فرزند	سوم دبیرستان	کارگر	دوم ابتدایی
۳	۴۴	۱۰ سال	۴ فرزند	ابتدایی	کارگر	بیسواد
۴	۴۵	۸ سال	۳ فرزند	ابتدایی	کارگر	دوم ابتدایی
۵	۴۰	۷ سال	۲ فرزند	راهنمایی	کارگر	بیسواد
۶	۳۸	۸ سال	۲ فرزند	دیپلم	کارگر	ابتدایی

۷	۲۸	۳ سال	۱ فرزند	ابتدایی	کارگر	ابتدایی
۸	۵۱	۱۵ سال	۵ فرزند	ابتدایی	کارگر	بیسواد
۹	۵۲	۱۷ سال	۳ فرزند	ابتدایی	کارگر	بیسواد
۱۰	۴۸	۱۲ سال	۴ فرزند	ابتدایی	کارگر	بیسواد
۱۱	۴۵	۱۰ سال	۳ فرزند	ابتدایی	کارگر	بیسواد
۱۲	۳۳	۴ سال	۳ فرزند	راهنمایی	کارگر	ابتدایی
۱۳	۳۰	۵ سال	۲ فرزند	دیپلم	کارگر	ابتدایی
۱۴	۳۷	۵ سال	۳ فرزند	دبیرستان	کارگر	ابتدایی
۱۵	۴۸	۱۳ سال	۴ فرزند	راهنمایی	کارگر	ابتدایی
۱۶	۲۸	۵ سال	۱ فرزند	دبیرستان	کارگر	ابتدایی
۱۷	۳۴	۴ سال	۱ فرزند	دبیرستان	کارگر	ابتدایی
۱۸	۳۵	۸ سال	۲ فرزند	دیپلم	کارگر	ابتدایی
۱۹	۴۰	۱۲ سال	۵ فرزند	پنجم ابتدایی	کارگر	سوم ابتدایی
۲۰	۵۲	۲۰ سال	۳ فرزند	بیسواد	کارگر	بیسواد
۲۱	۳۰	۸ سال	۱ فرزند	دیپلم	خیاط	سیکل
۲۲	۴۵	۲۴ سال	۵ فرزند	دوم دبیرستان	بنا	ابتدایی
۲۳	۴۲	۸ سال	۲ فرزند	اول راهنمایی	کارگر	بیسواد
۲۴	۲۹	۸ سال	-	خواندن و نوشتن	جوشکار	بیسواد
۲۵	۳۸	۱۱ سال	۱ فرزند	سوم ابتدایی	بیکار	سیکل
۲۶	۳۴	۱۸ سال	۲ فرزند	سیکل	جوشکار	پنجم ابتدایی
۲۷	۴۵	۱۵ سال	۲ فرزند	پنجم نهضت	نگهبان	لیسانس
۲۸	۴۷	۸ سال	۱ فرزند	ابتدایی	کارگر	بیسواد
۲۹	۴۸	۳۲ سال	۵ فرزند	اول راهنمایی	بیکار	دیپلم ناقص
۳۰	۳۲	۱۲ سال	۴ فرزند	سیکل	شاگرد	میوه پنجم ابتدایی فروشی

### روش تجزیه و تحلیل داده های کیفی پژوهش

این که داده های پژوهش در اختیار او قرار گیرد. در این گام است که ایده های خوبی درباره کدگذاری و الگوها شکل می گیرد. اقداماتی که در این مرحله صورت می گیرد عبارتند از مکتوب کردن داده ها، مطالعه اولیه و مطالعه مجدد داده ها و نوشتن ایده های اولیه.

- ایجاد کدهای اولیه و کدگذاری: در این گام، از کدها برای تقسیم داده های متنی به قسمت های فهمیدنی و استفاده پذیر استفاده می شود. اقدام های صورت گرفته در این گام عبارتند از پیشنهاد چارچوب کدگذاری و تهیه قالب مضامین، تفکیک متن به بخش های کوچک تر، کدگذاری ویژگی های جالب داده ها.

- جست و جو و شناخت مضامین: در این گام که به تحلیل در سطحی کلان تر از کدها تمرکز دارد کدهای مختلف در قالب مضامین مرتب می شود و همه داده های کد گذاشته می مرتبط با هر یک از مضامین، شناخته و گردآوری می شود. اقدام های مورد نیاز در این گام شامل تطبیق دادن کدها با قالب مضامین،

تجزیه و تحلیل مصاحبه ها با استفاده از روش تحلیل مضمون (thematic analysis) مضامین پایه (basic)، سازمان دهنده (organizing) و فراگیر (global) انجام شد. بر این اساس ابتدا متن مصاحبه از جلسات مختلف مصاحبه بطور کامل پیاده سازی شده و تکمیل گردید. سپس با مطالعه دقیق این متون، برای هریک از مصاحبه های انجام شده تمامی مؤلفه های کلیدی، بیرون کشیده شد. داده های به دست آمده از بخش کیفی با استفاده از روش تحلیل مضمون و تشکیل شبکه مضامین بعد از احصای مضامین پایه، سازمان دهنده و فراگیر، الگوی اولیه طراحی شد. مراحل تحلیل مضمون به شرح زیر است:

**مرحله اول:** تجزیه و توصیف متن که شامل گام های زیر می باشد:

- آشنا شدن با متن: این گام ستون فقرات مراحل بعدی را شکل می دهد. ممکن است خود پژوهشگر داده ها را جمع کند یا

استخراج مضامین از بخش های کد گذاشته متن، پالایش و بازبینی مضامین می باشد.

**مرحله دوم:** تشریح و تفسیر متن که شامل گام های زیر است:  
- ترسیم شبکه مضامین: در این گام داده های درون هر مضمون باید به لحاظ معنی و مفهوم، با هم انسجام و همخوانی داشته باشد و در عین حال باید تمایزات واضح و مشخصی میان مضامین مختلف باشد و برای این منظور باید اقدام های زیر صورت گیرد: بررسی و کنترل همخوانی مضامین با کدهای مستخرج، مرتب کردن مضامین، انتخاب مضامین پایه، سازمان دهنده و فراگیر، ترسیم نقشه (های) مضامین، اصلاح و تأیید شبکه (های) مضامین، اصلاح و تأیید شبکه (های) مضامین.  
- تحلیل شبکه مضامین: در این گام شبکه های مضامین رسم شده، بررسی و تجزیه و تحلیل می شود. به مضامین تعریف شده عنوان مشخص داده شد و نام هایی که در تحلیل نهایی قابل استفاده است ذکر می شود. اقدامات مورد استفاده شامل تعریف و نام گذاری مضامین و توصیف و توضیح شبکه مضامین می باشد.

**مرحله سوم:** ترکیب و ادغام متن که شامل تدوین گزارش است. در این مرحله، تحلیل و تدوین گزارش نهایی تحقیق صورت می گیرد. استنتاج های همه شبکه ها، همراه با نظریه های مرتبط با آن ها، برای تبیین مضامین، مفاهیم، الگوها و ساختارهای برجسته به دست آمده از متن استفاده می شود. اقدام های مورد نیاز در این مرحله عبارتند از تلخیص شبکه مضامین و بیان مختصر و صریح آن، استخراج نمونه های جالب داده ها، مرتبط کردن نتایج تحلیل با سوالات تحقیق و مبانی نظری، نوشتن گزارش علمی و تخصصی از تحلیل ها.  
لازم به ذکر است در پژوهش حاضر در ابتدا کدهای اولیه استخراج گردید و از ترکیب و تلفیق این کدها مضامین پایه حاصل شد. سپس مضامین پایه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت، بر اساس اصل تشابه و تفاوت دسته بندی شدند و مضامین سازمان دهنده به دست آمد. همه این مضامین سازمان دهنده نیز

زیرمجموعه مضمونی کلی تر به نام مضمون فراگیر قرار گرفت. همچنین به منظور اعتبارسنجی یافته ها دو روش انتقال پذیری<sup>۱</sup> و قابلیت اطمینان<sup>۲</sup> استفاده گردید. منظور از انتقال پذیری، قابلیت تعمیم نتایج به دست آمده از نمونه مورد مطالعه به کل جمعیت است. از آنجا که مطالعه کیفی بیشتر جنبه ی ذهنی دارد تا عینی، تعمیم پذیری که در پژوهش های کمی کاربرد دارد، در پژوهش های کیفی استفاده نمی شود لیکن در این مطالعه سعی شده است تمام جزئیات پژوهش از نمونه گیری تا فرایند جمع آوری و تحلیل داده ها به طور کامل شرح داده شود تا در مورد انتقال پذیری نقطه ی مبهمی باقی نماند. قابلیت اطمینان در مطالعه کیفی به اعتبار پژوهش وابسته است. اگر مطالعه از اعتبار کامل برخوردار باشد، قابل اطمینان نیز خواهد بود. یکی از راه های تأمین اطمینان در مطالعه کیفی، استفاده از مسیر ممیزی<sup>۳</sup> است (۲۷). در مسیر ممیزی، افراد خارج از پژوهش که به پژوهش های کیفی آشنا هستند به عنوان چک کننده و ناظر، عمل می کنند. در مطالعه حاضر، دو ناظر (عضو هیأت علمی دانشگاه شیراز و معاون اداره اتباع استان فارس) فرایند جمع آوری داده ها و فرایند تحلیل را بررسی و تأیید نمودند و در نتیجه قابلیت اطمینان مطالعه حاصل گردید. قابل ذکر است ترسیم مضامین تحلیل شده با استفاده از نرم افزار MindMaster انجام گرفت.

### یافته ها

یافته های پژوهش در بررسی میزان رضایتمندی و پیامدهای ازدواج بانوان ایرانی با اتباع افغان است و به ترتیب سوالات پروتکل مصاحبه در ادامه آورده شده است.

**سوال اول پژوهش:** بانوان ایرانی که با مردان تبعه افغان ازدواج کرده اند رضایت خود از ازدواجشان را چگونه توصیف می کنند؟ بعد از انجام مصاحبه با افراد انتخابی تعداد ۸ مضمون پایه، ۳ مضمون سازمان دهنده و یک مضمون فراگیر از رضایت از ازدواج بانوان ایرانی با اتباع افغان به دست آمد که در جدول ۲ و نمودار ۲ در صفحه بعد نشان داده می شود.

### جدول ۲- مضمون فراگیر، مضامین سازمان دهنده و پایه استخراج شده از مصاحبه با بانوان ایرانی پیرامون رضایت از ازدواج

مضمون فراگیر	مضامین سازمان دهنده	مضامین پایه
	نارضایتی مالی	عدم رفع نیازهای اقتصادی خانواده
		عدم رفع نیازهای اقتصادی فردی
	نارضایتی در روابط زناشویی	عدم لذت جسمی از برقراری ارتباط جنسی
نارضایتی		عدم لذت از حضور فیزیکی در کنار همسر

<sup>3</sup>.audit trail

<sup>1</sup>.transferebility  
<sup>2</sup>.dependability



عدم ارضای نیازهای روحی در هنگام ارتباط جنسی

احساس حقارت در خانواده

احساس حقارت در جامعه

نارضایتی اجتماعی- فرهنگی



## نمودار ۲- مضامین استخراج شده از بررسی رضایت‌مندی پیرامون ازدواج بانوان ایرانی با اتباع افغان

پیش از دواج کرده چنین می‌گوید: «شوهرم کارگر است و درآمد خوبی ندارد. من خیلی چیزها دلم می‌خواهد داشته باشم که نمیتونم بخرم، دلم می‌خواد آرایشگاه برم، دلم می‌خواد به‌خودم بیشتر برسم اما اصلا با این درآمد حتی خرج خورد و خوراک هم در نمی‌آید چه برسه به اینکه من برای خودم خرج کنم».

**نارضایتی در روابط زناشویی:** از ارکان مهم هرازدواجی که دوام و رضایت آن را پیش‌بینی می‌کند روابط زناشویی است که مصاحبه‌شوندگان اکثرا از ذکر این موضوع و حتی پرسش مربوط به آن اجتناب می‌کردند لیکن چند نفری که پاسخگو بودند شرایط متفاوت عدم رضایت جنسی و حضور در کنار یک مرد افغان را عاملی در نارضایتی بیان کردند.

خانمی ۳۲ ساله با ۹ سال سابقه زندگی چنین گفت: «من خوشگلم، قد بلندم و به خودم توجه می‌کنم اما شوهرم قیافه اش و ظاهرش اصلا خوب نیست و من از اینکه کنارش در خیابان راه بروم خجالت می‌کنم». خانمی ۴۵ ساله با سابقه ۱۵ سال زندگی مشترک می‌گوید: «در نگاه افغان‌ها زن یک وسیله است که هر وقت مرد بخواهد باید اطاعت کند برای همین هیچ‌وقت در این همه سال زندگی من معنی لذت را نفهمیدم اما وظیفه ام را همیشه انجام دادم».

**نارضایتی فرهنگی- اجتماعی:** در این خصوص بیشتر مصاحبه‌شوندگان به موضوع احساس خجالت در میان خانواده و جامعه اشاره داشتند. خانمی ۳۷ ساله با ۵ سال سابقه می‌گوید:

همان گونه که جدول و نمودار نشان می‌دهد تحلیل مصاحبه‌های انجام شده نشان داد بیشتر مصاحبه‌شوندگان اعلام عدم رضایت کردند لیکن دلایل متفاوتی از جمله نارضایتی از شرایط مالی، نارضایتی در زندگی زناشویی و نارضایتی براساس شرایط اجتماعی و فرهنگی بیان کردند.

نکته قابل توجه در پاسخ دهی بدین سوال آن بود که محقق از مصاحبه‌شوندگان خواست احساس فردی خودشان را بعنوان یک زن در رضایت یا عدم رضایت مطرح کنند. چراکه گروهی هم در میان مصاحبه‌شوندگان بودند که احساس رضایت نداشتند اما نه بدلیل فردی یا بد بودن همسر بلکه بیشتر بخاطر مشکلات قانونی در تابعیت همسر و فرزندانشان و مشکلات عدم حمایت دولت که در سوال دوم بررسی شدند.

**نارضایتی مالی:** در میان کلیه مصاحبه‌شوندگان تقریباً همه از شرایط مالی ابراز عدم رضایت می‌کردند (نیازهای اقتصادی خانواده و نیازهای اقتصادی زن) و معتقد بودند این شرایط بر کلیه مسائل زندگی‌شان تأثیر گذاشته است. اکثر مردان افغان کارگر ساده بودند و درآمد خوبی نداشتند. خانمی ۳۶ ساله با ۸ سال سابقه زندگی معتقد است: «شوهرم مرد بدی نیست اما درآمد ندارد. کارگر است و شغل ثابتی که درآمد خاصی داشته باشد ندارد. با این خرج گران نمی‌شود زندگی کرد و مشکلات بسیاری داریم که بخاطر بی پولی نمی‌توانیم حلش کنیم. همه چیز هم که هر روز گرونتر میشه وضع ما بدتر میشه». خانمی ۲۸ ساله که ۵ سال

مشخصه که افغانی هست». **سوال دوم پژوهش:** ازدواج بانوان ایرانی با مردان تبعه افغان چه پیامدهایی داشته است؟ بعد از انجام مصاحبه با افراد انتخابی تعداد ۳۳ مضمون پایه، ۱۳ مضمون سازمان دهنده و ۵ مضمون فراگیر از پیامدهای ازدواج بانوان ایرانی با اتباع افغان به دست آمد که نتایج آنها در جدول و نمودار ۳ در صفحات بعد به نمایش در آمده است.

«از اینکه زن افغانی شدم خجالت می کشم و فکر می کنم همه می دونن یا فکر می کنند من یک مشکلی داشتم که مجبور شدم زن افغانی بشم، به ویژه با کلیه فامیل هایم رابطه ام را قطع کردم و وقتی اونها را می بینم سعی می کنم قایم بشم تا من رو نبینند». خانمی ۴۲ ساله با ۸ سال سابقه می گوید: «شوهرم مرد آرومی است، کاری نه به خوبم دارد نه به بدم اما وقتی باهاش جایی می رم فکر میکنم همه دارن نگاهمون می کنند و خیلی ناراحت میشم و واقعا هم نگاهمون می کنند آخه از قیافه اش

### جدول ۳- مضامین فراگیر، سازمان دهنده و پایه استخراج شده از مصاحبه با بانوان ایرانی پیرامون پیامدهای ازدواج

مضمون فراگیر	مضامین سازمان دهنده	مضامین پایه
طرد و انزوای اجتماعی	کاهش تعاملات اجتماعی	تعامل با همسالان
	ندایده گرفته شدن در اجتماع	تعامل با فامیل و بستگان
	عدم حمایت اجتماعی	تعامل با همسایگان
	نقش ها و انتظارات اجتماعی	نداشتن حقوق اجتماعی
جامعه پذیری	علائق اجتماعی	نداشتن جایگاه در اجتماع
	روابط بین فردی موثر	عدم پذیرش در موقعیت های اجتماعی
	مهارت های تفکری	عدم حمایت از زنان
	مهارت های اجتماعی	عدم حمایت از کودکان
سرمايه اجتماعی	بهریستی روانی	عضو غیرفعال جامعه
	بهریستی خانوادگی	نقش پذیری نامناسب در جامعه
	حمایت قانونی	مشارکت و همدلی در اجتماع
	انطباق پذیری فرهنگی	روابط با گروه های اجتماعی
آسیب های فرزندان	انطباق پذیری فرهنگی	روابط با همسر و خانواده
	بهریستی روانی	حل مسأله
	بهریستی خانوادگی	تصمیم گیری
	حمایت قانونی	مدیریت بحران های خانواده (ناپایداری خانواده)
انطباق پذیری فرهنگی	بهریستی روانی	مدیریت مسائل تربیتی در خانواده
	بهریستی خانوادگی	مدیریت اقتصادی در خانواده
	حمایت قانونی	توانایی مطالبه گری
	انطباق پذیری فرهنگی	احساس ارزشمندی اجتماعی
انطباق پذیری فرهنگی	بهریستی روانی	اختلالات روحی
	بهریستی خانوادگی	اختلالات جسمی
	حمایت قانونی	رضایت از زندگی
	انطباق پذیری فرهنگی	مشکلات اقتصادی
انطباق پذیری فرهنگی	بهریستی روانی	مشکلات اجتماعی
	بهریستی خانوادگی	مشکلات فرهنگی
	حمایت قانونی	حق آموزش و پرورش
	انطباق پذیری فرهنگی	حق اشتغال
انطباق پذیری فرهنگی	بهریستی روانی	حقوق شهروندی
	بهریستی خانوادگی	حق ملیت
	حمایت قانونی	هویت فردی
	انطباق پذیری فرهنگی	هویت ملی
انطباق پذیری فرهنگی	بهریستی روانی	هویت مذهبی
	بهریستی خانوادگی	بزهکاری
	حمایت قانونی	
	انطباق پذیری فرهنگی	



### نمودار ۳- پیامدهای ازدواج بانوان ایرانی با اتباع افغان

ب) نادیده گرفتن شدن در اجتماع: خانمی ۲۵ ساله:

«شوهرم کارگر ساده است در حالی که در کشور خودش کفاح خوبی بوده اینجا جز کارگری کار دیگه ای بهش نمی دن».

خانمی ۴۲ ساله: «بچه هام

حق درس خواندن مثل بقیه ندارند و همش مشکل داریم هیچ کس هم ازمون حمایت نمی کنه».

بسیاری از مصاحبه شوندگان معتقد بودند نه در ایران و نه در افغانستان جایگاه اجتماعی ندارند چرا که حقوقی برای آنان در نظر گرفته نشده و جامعه اهمیتی به آنها نمی دهد. خانمی ۳۱ ساله: «چون با افغانی ازدواج کردم انگار گناه کردم و نگاه مردم نگاه خوبی نیست انگار عیب و ایرادی داشتم که با افغانی ازدواج کردم». بسیاری از مصاحبه شوندگان بر این باور بودند که در موقعیت های اجتماعی مثل جمع مادران در مدرسه یا حضور در جمع های اجتماعی مثل مراسم مختلف مذهبی نگاه مناسبی به آنها نمی شود. خانمی ۲۸ ساله: «وقتی میرم مدرسه بچه ام، مادرا بهم توجهی نمی کنند و از من دوری می کنند اگر هم سوالی بپرسم درست جواب نمی دهند».

ج) حمایت اجتماعی: این مضمون شامل حمایت از زنان و کودکان می باشد. چنانچه خانمی ۳۸ ساله می گوید: «به عنوان زنی که شوهرش افغان هست هیچ وقت مورد حمایت از طرف دولت نبودم نه برای بارداری نه برای تربیت فرزندانم و هیچ چیز».

در ادامه یافته ها مضامین بدست آمده توصیف شده اند.

### طرد و انزوای اجتماعی: از مهمترین پیامدهای اجتماعی

مطرح شده در مصاحبه ها با بانوان ایرانی، طرد و انزوای اجتماعی آنان از گروه ها و خانواده بود که نقش مهمی در نارضایتی از ازدواج با یک تبعه افغانی را به همراه داشت. در این خصوص دو مضمون سازمان دهنده اساسی قابل توجه بود شامل کاهش تعاملات اجتماعی و نادیده گرفته شدن در اجتماع است. در ادامه مواردی از مضامین پایه کاهش تعاملات اجتماعی شامل (تعامل با همسالان، تعامل با بستگان و خانواده و تعامل با همسایگان) و مضامین پایه نادیده گرفته شدن در اجتماع (نداشتن حقوق اجتماعی و عدم جایگاه در اجتماع) آمده است.

### الف) کاهش تعاملات اجتماعی: خانمی ۳۳ ساله: «با ازدواج

با یک مرد افغانی همه دوستانم باهام قطع ارتباط کردند و دیگه ارتباطی باهاشون ندارم و برام خیلی سخته». خانمی ۵۲ ساله: «اول هایی که عروسی کرده بودم خیلی دلم می خواست برم خونه فامیل اما دیدم اونها دوست ندارند به خاطر همین دیگه نرفتم و الان هم سال هاست که نه تو عروسی شون هستم و نه تو عزا شون». خانمی ۳۳ ساله: «فقط با همسایه هایی که شوهرشان افغانی هستند رفت و آمد دارم و با همسایه های ایرانی ارتباطی ندارم چون اونها دوست ندارند خونه ما بیایند»

نیستم راستش بلد هم نیستم وقتی یک مشکلی پیش می آید نمی دونم چکارکنم و فقط شوهرم دخالت می کنه».

**ج) مدیریت موثر خانواده:** در خانواده موضوعات متعددی وجود دارد که نیاز به مدیریت و هدایت دارد. به ویژه در مسائل تربیتی فرزندان، بحران های خانواده و موضوعات اقتصادی. در ادامه برخی از پاسخ های مصاحبه شونده گان آمده است: «هر وقت یک اتفاقی تو خونه می افتد مثلا شوهرم بیکار می شه یا قانونی برای افغانی ها تصویب میشه خونه ما جهنم است و من نمی دونم چکارکنم».

خانمی ۵۲ ساله: «بچه هام از ازدواج من با یک افغانی ناراضی هستند و به من هم گوش نمی دهند پسرم دیر میاد خونه و اکثرا بوی سیگار می ده اما به حرفم گوش نمیده». خانمی ۳۹ ساله: «هیچوقت دخلم به خرج نمی خوره، وقتی پول دارم نمیدونم چرا زود تموم میشه سعی می کنم مواظب باشم کم خرج کنم اما همیشه».

**د) جرأت ورزی:** از مهمترین ویژگی های سلامت روان که تضمینی برای سلامت فردی و اجتماعی است توانایی جرأت ورزی که در برگرفته روحیه مطالبه گری و ارزشمندی اجتماعی است می باشد. خانمی ۲۹ ساله: «کاش جامعه و قانون برای ماحقی قائل بود تا می تونستیم حداقل بگیریم چی به ما می گذره و چی می خواهیم». خانمی ۳۲ ساله: «هیچ وقت چیزی برای خودم نمی خوام آخه کسی گوش نمی ده من چون با افغانی ازدواج کردم نه برای فامیل نه برای دوستانم نه برای جامعه هیچ ارزشی ندارم».

**سرمایه اجتماعی:** در هر جامعه تک تک افراد از سرمایه های اجتماعی محسوب می شوند که باید از بهزیستی فردی و اجتماعی برخوردار باشند.

الف) بهزیستی فردی که شامل اختلالات روحی، اختلالات جسمی و رضایت از زندگی می باشد که در ادامه برخی پاسخ های مصاحبه شونده گان آمده است. خانمی ۳۲ ساله: «عصبی هستم، کم حوصله ام، پرخاشگرم، دلم نمی خواهد کسی و ببینم». خانمی ۴۵ ساله: «قلبم درد می کنه سردرد دارم رفتم دکتر گفته سرطان دارم». خانمی ۵۲ ساله: «از زندگی راضی نیستم نمی دونم چرا سرنوشت من این بوده، نه از خودم نه از بچه هام نه از ازدواج و نه از خانواده ام راضی نیستم».

ب) بهزیستی خانوادگی: خانواده و مجموعه مسائل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آن از مهمترین شاخص های سرمایه اجتماعی محسوب می شوند. خانمی ۳۲ ساله: «وضع مالی مان خیلی بد است شوهرم کارگر است؛ هر روز سرکار نیست».

خانمی ۲۸ ساله: «مردم ما را نمی خواهند، ما را به خوبی نمی پذیرند و با هامون درست ارتباط برقرار نمی کنند». خانمی ۴۵ ساله: «بین فرهنگ ما با افغانی ها در همه چیز تفاوت هست

خانمی ۲۸ ساله: «به بچه های ما می گن بچه افغونی و بهشون توجهی نمی کنند در مدرسه ثبت نامشون نمی کردند و تو برنامه ها شرکتشون نمی دادند».

**جامعه پذیری:** مضمون فراگیر جامعه پذیری خود شامل ۲ مضمون سازمان دهنده می باشد که شامل نقش ها و انتظارات اجتماعی (عضو غیرفعال جامعه)، نقش پذیری نامناسب در جامعه و علائق اجتماعی (مشارکت و همدلی در اجتماع) است.

الف) نقش ها و انتظارات اجتماعی: مصاحبه شونده گان در این مضمون بر این باور بودند که با ازدواج خود از نقش های اجتماعی که می توانستند داشته باشند دور شده اند. خانمی ۳۵ ساله: «من اصلا حساب نیستم که بخوام در این جامعه کاری انجام بدهم». خانمی ۵۱ ساله: «من فقط میدونم که باید بچه داری کنم و خونه داری کنم دیگه مگه باید چکارکنم».

ب) علائق اجتماعی: به معنای مضمون مشارکت و همدلی در اجتماع. خانمی ۳۸ ساله: «خیلی چیزها اتفاق می افتد که دلم می سوزه اما به خودم می گم کی دلش برامن می سوزه مگه من اهمیتی دارم که بخوام اهمیت به کس دیگه ای بدم».

**مهارت های اجتماعی:** تحلیل محتوای مصاحبه شونده گان حاکی از آن بود که ۴ مضمون سازمان دهنده شامل روابط بین فردی موثر (روابط با گروه های اجتماعی و روابط با همسر و خانواده)، مهارت های فکری (حل مسأله و تصمیم گیری)، مدیریت موثر در خانواده (مدیریت بحران های خانواده، مدیریت مسائل تربیتی خانواده، مدیریت اقتصادی در خانواده) و جرأت ورزی (توانایی مطالبه گری، احساس ارزشمندی اجتماعی) از مهمترین مضامین مربوط به مهارت های اجتماعی بودند.

الف) روابط بین فردی موثر: روابط بین فردی که بتواند رضایت فردی و احساس آرامش بدنبال داشته باشد حاکی از موثر بودن آن می باشد. در این راستا برخی از پاسخ های مصاحبه شونده گان در دو گروه همسر و گروه های اجتماعی آمده است.

خانمی ۲۸ ساله: «دلم نمی خواهد با کسی در ارتباط باشم نمیتونم خوب حرف بزنم و سعی می کنم اصلا توی جمع کم حاضر بشم». خانمی ۳۲ ساله: «من نمی تونم با شوهرم و خانواده شوهرم خوب حرف بزنم همیشه دعوا میشه آخه خیلی آدمهای خوبی نیستند و اصلا من رو قبول ندارند».

ب) مهارت های فکری: داشتن مهارت های فکری مناسب از جمله حل مسأله و تصمیم گیری از ارکان اساسی روابط اجتماعی محسوب می شود در ادامه دو مهارت عمده حل مسأله و تصمیم گیری آمده است. خانمی ۴۵ ساله: «مشکلات زیادی دارم اما نمی دونم چطور حلشون کنم خیلی هاشون هم اصلا حل نمیشن». خانمی ۲۹ ساله: «من هیچ وقت در تصمیم گیری ها کاره ای

زناشویی بود. در تحلیل یافته‌ها، نکته قابل توجه آن است که آسیب‌های شناسایی شده در سوال دوم پژوهش نقش اساسی در ایجاد نارضایتی مصاحبه‌شوندگان داشت. از مهمترین علل نارضایتی ازدواج زنان ایرانی با مردان افغان مشکلات مالی متعددی بود که در این گونه خانواده‌ها حاکم بود. به عبارتی از آنجایی که تمامی مردان افغانی در این خانواده‌ها شغل‌های سطح پایین به‌ویژه کارگری و نگهبانی داشتند، از درآمد کافی برای برآورده کردن نیازهای خانواده برخوردار نبودند و این امر به‌ویژه زمانی که خانواده صاحب فرزند می شد حادث می‌گردید. در این بخش مهمترین مضامین پایه به‌دست آمده عبارتند از نیازهای روزمره خانواده (پوشاک، مسکن، تغذیه) و همچنین احتیاجات مالی و فردی زنان. گروهی از بانوان از علایق‌شان به داشتن ماتو، روسری، لوازم آرایشی و .. صحبت می‌کردند که شرایط اقتصادی خانواده اجازه برآورده‌سازی آنها را نمی‌داد.

آنچه در مصاحبه‌های بدست آمده عاملی برای نارضایتی زنان ایرانی مطرح می‌گردید، مسائل و موضوعات ویژه مربوط به زندگی زناشویی و به‌طور ویژه مسائل جنسی بود. گرچه صحبت کردن در این خصوص برای آنان سخت بود با این همه، در صحبت‌های آنان موضوعی بسیار قابل توجه وجود داشت و آن نارضایتی جنسی و حتی عدم رضایت از حضور در کنار مرد افغان به‌ویژه در مجامع عمومی بود. در ارتباط جنسی که آنان با همسران خود داشتند بی‌توجهی به نیازهای جنسی و روحی زنان در ارضای جنسی زن و ایجاد یک ارتباط لذت بخش به‌خوبی مشهود بود. نکته قابل توجه آن که بسیاری از آنان همچون بیشتر زنان در ایران از اینکه این موضوع را به عنوان یک حق برای خود قائل باشند یا بی‌اطلاع بودند و یا اینکه توقعی در این باره نداشتند. از این رو، پیامد حاصل از این موضوع در نارضایتی زندگی خانوادگی‌شان اهمیت به‌سزایی داشت. از عمده‌ترین دلایل نارضایتی حاصل از ازدواج با مردان افغان، موضوع احساس حقارت و کمبودی بود که دختران بعد از ازدواج با مرد افغان در خانواده و در اجتماع تجربه می‌کردند. مصاحبه‌شوندگان بر این باور بودند که ازدواج با یک مرد افغانی می‌تواند نشانه‌ای از ضعف و بدبختی یک دختر ایرانی برای تن‌دادن به چنین ازدواجی تلقی شود و این امر هم در خانواده و هم در میان سایر افراد جامعه به‌خوبی خود را نشان می‌دهد. آنچه در هر ازدواجی قابل توجه است تأکید بر رشد و بالندگی برای زن و مرد در یک ازدواج است و این امر در ازدواج بانوان ایرانی با مردان افغان حاکم نیست.

**پیامدهای حاصل از ازدواج بانوان ایرانی با مردان افغان:** در ارتباط با پیامدها نکته قابل تأمل در کلیه مصاحبه‌ها آن بود که اولین، بیشترین و مهمترین موردی که کلیه مصاحبه‌شوندگان مطرح می‌کردند در ارتباط با فرزندانشان و

در رفت و آمد در ارتباط در خانه داری در رابطه زن و شوهر». **آسیب‌های فرزندان:** عمده‌ترین مشکلات بانوان ایرانی در خصوص فرزندان‌شان بود و مسائل متعددی که مهم‌ترین آنها عبارتند از:

الف) حمایت‌های قانونی از حق تحصیل، اشتغال، حق ملیت و حقوق شهروندی: خانمی ۳۵ ساله: «تا مدت‌ها درگیر ثبت نام و حق مدرسه رفتن بچه بودم گرچه در مدرسه هم بچه‌های ما وضعیت خوبی ندارند». خانمی ۵۲ ساله: «با هر مشکلاتی بود پسر بزرگ شده اما هیچ کجا کار گیرش نمی‌آید به‌ویژه وقتی می‌فهمند باباش افغانی هست، به افغانستان هم رفته آنجا هم همینطور است کار بهش نمی‌دهند و دوست نداره فقط بعنوان کارگر بهش نگاه کنن». خانمی ۵۱ ساله: «پسر و دختر من هم حق دارند مثل سایر بچه‌های جوان هم سن و سالشون باشند، تفریح کنند از امکانات استفاده کنند اما برای این کار مجبورند افغانی بودنشون رو پنهون کنن». خانمی ۴۲ ساله: «بچه‌های من دلشون می‌خواد ایرانی باشند اما شوهرم می‌خواد هر طور شده اون‌ها را بدزده و به افغانستان بیره و من همیشه باید نگران این باشم».

ب) انطباق‌پذیری فرهنگی: آنچه برای فرزندان هر جامعه امری اساسی حساب می‌شود کسب هویت‌های فردی و ملی و مذهبی شایسته می‌باشد. در این خصوص تحلیل مصاحبه‌ها نشان داد که متأسفانه هویت نامناسی در فرزندان شکل نمی‌گیرد. خانمی ۴۸ ساله: «دخترم هر روز یک چیز می‌گه، یک چیز می‌خواهد، یک روز ناراحت و افسرده است و یک روز بی‌تفاوت و سرد، نمی‌تونم کمکش کنم». خانمی ۵۱ ساله: «بچه‌های من واقعا سردرگم هستند نه خودشون رو افغانی می‌دونند و نه ایرانی و نسبت به این مسأله بسیار حساس و سختگیرند و با من بدرفتاری می‌کنند». خانمی ۵۱ ساله: «شوهرم سنی است و من شیعه بچه‌ها هم بچه‌تر که بودند مسائل و تفاوت‌های مذهبی برایشون مهم نبود اما الان که بزرگ شدند مشکل دارند». خانمی ۵۱ ساله: «کنترل رفت و آمد پسرم برام سخته باباش هم زورش نمی‌رسه نمی‌دونم چکارکنم و از کی کمک بگیرم».

## بحث و نتیجه‌گیری

هدف از انجام این پژوهش، بررسی میزان رضایت و پیامدهای اجتماعی حاصل از ازدواج بانوان ایرانی با اتباع افغان بود. در این راستا یافته‌های پژوهش، براساس اهداف مورد بررسی و تبیین قرار می‌گیرند.

**بررسی میزان رضایت از ازدواج بانوان ایرانی با مردان افغان:** نتایج تحلیل مصاحبه‌ها حاکی از آن بود که در بیشتر ازدواج‌ها نارضایتی دیده می‌شد و این نارضایتی در بیشتر موارد حاکی از مشکلات اقتصادی، اجتماعی-فرهنگی و زندگی

داشتن مادر ایرانی امتیازی برای بسیاری از مسائل همچون گرفتن گواهینامه، داشتن اموال غیرمنقول به نام و حتی تردد به مناطق مختلف ایران به شمار نمی‌رود.

همچنین از دیگر آسیب‌های این گونه فرزندان ترک تحصیل آنان به علت نامناسب بودن شرایط مدرسه‌ای و عدم پذیرش در بین همسالان، روی آوردن به مواد مخدر و جذب گروه های بزهکار در بین نوجوانان و جوانان در محله می باشد که آسیب های متعددی را در انجام رفتارهای ضداجتماعی از جمله سرقت فراهم می کند. انطباق پذیری فرهنگی (هویت ملی و هویت فردی، مذهبی و بزهکاری) از دیگر آسیب های فرزندان حاصل از این گونه ازدواج‌ها بود. بیشتر مصاحبه‌شوندگان بر این امر تأکید داشتند که فرزندان آنها احساس تعهد و تعلق به جامعه ایران یا افغانستان ندارند و این امر آسیب های متعددی به آنان وارد ساخته است. این گونه فرزندان نه از نظر فردی (احساس قدرت، استقلال، شخصیت، اشتغال، انتخاب و آزادی) و نه از نظر ملی (تعهد و پایبندی به آرمان ها و اهداف جامعه) هویت مشخصی ندارند. برخی از مصاحبه‌شوندگان به مهاجرت فرزندان خود به افغانستان و طرد شدن از آن جامعه اشاره داشتند که این موضوع مشکلات آنان را سخت تر می کرد؛ به‌ویژه که حتی برخی از بانوان به مهاجرت غیرقانونی فرزندان خود به‌ویژه پسران به کشورهای اروپایی اشاره داشتند که در این زمینه هم مشکلات مالی متعدد مانع از آن می شد.

دومین آسیب اجتماعی مهم که حاصل تحلیل های مصاحبه‌شوندگان بود، مسأله طرد و انزوای اجتماعی بانوان از جامعه مادری خود یعنی ایران بود؛ به‌عبارتی این گونه ازدواج‌ها منجر به جدایی آنان از بدنه اجتماع می گردد. در این خصوص سه مضمون سازمان دهنده اصلی تعاملات اجتماعی، نادیده گرفته شدن و حمایت اجتماعی مطرح گردید. اولین و مهمترین عامل در طرد اجتماعی بانوان در تعاملات اجتماعی آنان با همسالان، خانواده و همسالان بود. بسیاری از آنان عنوان می کردند که ازدواجشان باعث شده با بسیاری از افراد فامیل قطع ارتباط کنند و تمایلی به رفت و آمد با آنان از سوی خانواده وجود ندارد و بیشتر ارتباطات خانوادگی آنان به خانواده درجه یک از جمله پدر و مادر و خواهر و برادر محدود می شد. حتی گروهی عنوان می کردند که با خانواده برادر خود نیز ارتباطی ندارند و فقط برادر بدون همسر و فرزندش با آنان در ارتباط می باشد. علاوه بر خانواده دوستان و همسالانی که قبل از ازدواج داشتند نیز آنان را بعد از ازدواج ترک کرده بودند و از آنجایی که برای دختران ارتباط با همسالان از نظر روحی و عاطفی اهمیت زیادی دارد قطع این گونه ارتباط ها از نظر فردی و اجتماعی برایشان نقش منفی داشت. حتی گروهی از آنان از عدم ارتباط با همسایگان صحبت

محرومیت آنان از بسیاری از حقوق اجتماعی و فردی اولیه آنان بود. در این خصوص اولین نکته مربوط به حمایت‌های قانونی از آنان می شد که شامل حق تعلیم و تربیت، حق اشتغال، حق ملیت و حقوق شهروندی بود. در ارتباط با آموزش و پرورش فرزندان دو نکته مهم مطرح گردید؛ ابتدا موضوع ثبت نام فرزندان در مدارس و دیگری حضور و برخورد با آنان در مدارس. از آنجایی که حمایت قانونی برای شناسنامه در ایران برای فرزندان این گونه خانواده‌ها وجود ندارد، بسیاری از آنان با مشکلات بسیاری، فرزندان خود را در مدارس ثبت نام می کنند که البته ثبت نام تنها مشکل آنها نمی باشد، بلکه پذیرش آنان از سوی معلمان و سایر دانش آموزان خود دشواری دیگری به شمار می‌آید. مشاهده می‌شد که بسیاری از مصاحبه‌شوندگان و فرزندانشان سعی بر مخفی کردن ملیت افغانی پدران خود در بین سایر دانش آموزان داشتند و حتی برخی از فرزندان در مقاطع بالاتر تحصیلی به‌همین دلیل ترک تحصیل می‌کنند و این حاکی از عدم پذیرش آنان در جامعه ایران است؛ به‌ویژه در مدرسه که اولین اجتماع رسمی خارج از خانواده آنان می‌باشد. مادران گزارش می‌دادند که بچه‌هایشان با عناوین سخیف و نامناسب صدا زده می‌شوند و در بازی ها و ارتباطات محدود می‌شوند. از سوی دیگر عدم برخورداری از شغل مناسب هم از دیگر آسیب ها و نگرانی‌های مادران برای فرزندان خود بود و نکته قابل تأمل در این خصوص آن بود که حتی وقتی این فرزندان به افغانستان مراجعه می‌کردند در آنجا هم وضعیت مناسبی نداشتند. برخی از این بچه ها با وجود داشتن استعداد و توانمندی در مشاغل مناسب، نمی‌توانند فعالیت داشته باشند و عموماً مجبور به انجام کارهایی شبیه پدران خود هستند و یا اینکه اگر بخواهند در وضعیت مناسب‌تری قرار بگیرند مجبور به مخفی کردن دورگه بودن خودند. در حال حاضر جامعه ایران به‌ویژه در استان فارس و شهر شیراز مشکل اشتغال برای جوانان وجود دارد و مسلماً این جوانان با مشکلات بیشتری مواجه می‌شوند و حتی بسیاری از آنان برای کارکردن به شهرستان ها و روستاهای اطراف می‌روند لیکن آنچه در این خصوص اهمیت دارد نارضایتی آنان در این ارتباط است و خواهان حقوقی مساوی و مناسب برای تحصیل و اشتغال هستند. در این میان بودند فرزندان که دوره‌های ویژه ای را در کامپیوتر یا کارهای فنی گذرانده بودند اما با مشکل پیدا کردن شغل مواجه می‌شدند. حقوق شهروندی برای فردی که در یک جامعه زندگی می‌کند از مهمترین حقوق می باشد که ایجاد و تبعیت از آن نیاز به حمایت های قانونی و اجتماعی دارد. لیکن وقتی فرزندان حاصل از این گونه ازدواج‌ها از حقوق اولیه خود محروم اند طبیعی است که با مشکلات متعددی مواجه می‌شوند و این امر از آنجا می باشد که فرزندان حاصل از این گونه ازدواج‌ها حکمی مشابه حکم پدران را دارند و

تصمیم‌گیری است که خود می‌تواند ناشی از داشتن مهارت‌های فکری در سطوح مختلف تفکر انتقادی، تفکر حل مسأله و تفکر خلاق باشد. با این حال، در بانوان مورد مصاحبه نوعی مهارت‌های فکری سطح پایین و تفکر روزمره که صرفاً انجام فعالیت‌های روزمره را پوشش دهد، حاکم بود و حتی بسیاری از آنان از حل مسأله و مدیریت مسائل خانواده به‌ویژه در بحران‌های خانوادگی از جمله بیکار شدن همسر، مشکلات خانوادگی و ... بی‌بهره بوده، حتی در رفع مشکلات تربیتی فرزندان احساس عجز و ناتوانی می‌کردند؛ از این رو، به نوعی خود را تسلیم شرایط موجود و یا تسلیم هر آنچه همسر تصمیم می‌گرفت می‌نمودند.

از دیدگاه جامعه‌شناسان افرادی که در فرایند جامعه‌پذیری موفق می‌باشند به‌خوبی قادر به پذیرش نقش‌ها و انتظارات اجتماعی و ابراز علائق اجتماعی هستند. نتایج حاصل از تحلیل مصاحبه‌ها حاکی از آن بود که زنان ایرانی به دلیل نوع ازدواج خود از جامعه‌پذیری مناسب برای پذیرش نقش‌های فعال و تأثیرگذار در جامعه و همچنین شرکت در فعالیت‌های اجتماعی برخوردار نیستند؛ این موضوع یا ناشی از تمایل خودشان و ناشی از احساس طردشدگی از جامعه بود و یا به‌طور واقعی بعد از ازدواجشان کمتر در جمع‌هایی که قبلاً می‌توانستند شرکت کنند، پذیرفته می‌شدند؛ حتی در گروه دوستان و خانواده همسایگان. نکته قابل توجه نداشتن علائق اجتماعی و همکاری‌های مختلف در اجتماع توسط این گروه از زنان بود. در جامعه ایران زنان از علائق اجتماعی متعددی برای فعالیت در حوزه‌های مختلف همچون کودک، نوجوان و جوانان در محله و شهر برخوردارند اما این زنان بطور کلی از این گونه فعالیت‌ها به‌دور بودند و حتی وقتی بحث می‌شود که با بانوانی همچون خودشان وارد فعالیت شوند، نوعی بی‌انگیزگی در آنان مشاهده می‌شد. همچنین از مهمترین توانمندی‌های افراد برای احساس هویت مناسب و موثر در جامعه، توانایی جرأت‌ورزی یا به بیان دیگر بروز خود و توانمندی‌ها در خانواده و اجتماع است. در این خصوص تحلیل مصاحبه‌ها حاکی از آن بود که بانوان ایرانی که ازدواج با تبعه افغان داشتند توانایی مطالبه حقوق اجتماعی و فردی خود را نداشتند. نکته قابل توجه در این خصوص آن است که به‌طور کلی زنان در دنیا برای گرفتن هرگونه حق اجتماعی و فردی خود، مطالبه‌گری متفاوتی نسبت به مردان دارند چرا که میزان پذیرش جامعه در حق و حقوقی که برای زن قائل می‌باشد در این ارتباط تأثیر اساسی دارد. این قضیه برای بانوان ایرانی که ازدواج با یک تبعه بیگانه دارند، بسیار دشوارتر یا متفاوت‌تر می‌باشد. ضمن اینکه طرح این پرسش ضروری است که آیا ازدواج باعث چنین چیزی شده است یا از قبل انفعال و عدم مطالبه‌گری وجود داشته و ازدواج پیامد آن می‌باشد که در این خصوص نیاز به انجام پژوهش‌های متعددی است.

می‌کردند و بیان می‌کردند که اگر همسایه‌ای به منزلشان بیاید حتی یک لیوان آب هم نمی‌خورد و این در روحیه خود و فرزندان‌شان تأثیر منفی دارد و ترجیح می‌دهند ارتباطاتشان به خانواده‌ها و افرادی مثل خودشان محدود شود که چنین چیزی بیشتر برای کسانی که در یک محدوده شهر از جمله سلطان‌آباد زندگی می‌کردند و متمرکز بودند، امکانپذیر بود. از دیگر نشانه‌های طرد و انزوای اجتماعی در این بانوان نادیده‌گرفته‌شدن در فعالیت‌های جمعی و گروهی مربوط به محله، خانواده و حتی مدرسه فرزندان بود. بسیاری از آنان معتقد بودند حتی معلم فرزندان در برقراری ارتباط مضایقه می‌کند و انگار برایشان سخت است که همچون یک فرد عادی اجتماع با آنان برخورد کنند. نکته قابل توجه در این ارتباط آن بود که بانوان معتقد بودند حتی خانواده‌هایی که زن و شوهر هر دو افغان می‌باشند نیز پذیرفته شده نیستند و این طرد هم به دلایل شخصی و هم از سوی آن خانواده‌ها انجام می‌شد. عامل دیگر در این انزوای اجتماعی عدم حمایت از زنان و کودکان در اجتماع بود. در هر جامعه‌ای، زنان و کودکان به عنوان قشرهای آسیب‌پذیر، از حمایت‌های دولتی برای کسب برخی حقوق مربوط به آموزش، بهداشت و مسائل اجتماعی برخوردار هستند اما این‌گونه بانوان از آنجایی که هویت قانونی برای خود و فرزندان‌شان ندارند در این خصوص مورد حمایت نمی‌باشند.

درخصوص مهارت‌های اجتماعی نیز تحلیل مصاحبه‌ها حاکی از شکل‌گیری سه مضمون سازمان‌دهنده اصلی روابط بین فردی، مهارت‌های فکری و مدیریت خانواده بود. اساساً در هر مهارت اجتماعی اولین و مهمترین چیزی که مطرح می‌شود چگونگی ایجاد ارتباط با دیگران و داشتن مهارت‌های لازم برای ایجاد ارتباط با همسر، خانواده و گروه‌های اجتماعی است. بسیاری از مصاحبه‌شوندگان معتقد بودند چون در ایران بزرگ شده‌اند و فرهنگی متفاوت دارند نمی‌توانند به‌خوبی با همسرشان که شیوه برقراری ارتباط با آنان متفاوت می‌باشد، روابط مناسبی برقرار کنند و حتی می‌گفتند نمی‌دانند چگونه برای بهبود ارتباط تلاش کنند. نکته قابل توجه آن‌که بانوانی که مدت بیشتری از ازدواجشان می‌گذشت، در این موضوع مشکلی را عنوان نمی‌کردند که حال این یا ناشی از سازگاری یا ناشی از کسب توانمندی برای برقراری ارتباط بود. علاوه بر همسر، روابط بین فردی مناسب با خانواده و دیگر گروه‌های اجتماعی نیز برای آنان موضوع قابل تأملی بود چرا که بسیاری از آنان به‌علت سواد پایین و فقر فرهنگ خانوادگی از روابط عمومی و مهارت‌های مناسب فردی برای برقراری ارتباط برخوردار نبودند.

در مهارت‌های اجتماعی آنچه ضامنی برای موفقیت می‌باشد، داشتن مهارت‌های فکری متعدد از جمله حل مسأله و

وضعیت آنان است. از نکات دیگر در سرمایه اجتماعی، بهزیستی خانوادگی افراد می‌باشد. در جوامع مختلف بویژه جامعه ایران خانواده رکن اساسی سلامت، تربیت و شکوفایی افراد است؛ از این رو بهزیستی خانوادگی (اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی) بسیار با اهمیت است. طبق مشاهدات، از مهمترین مشکلاتی که بهزیستی این گونه خانواده‌ها را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد، مشکلات اقتصادی و درآمد ناچیز و بی‌ثبات آنان می‌باشد؛ از این رو بیشتر این خانواده‌ها در برآورد حداقل نیازمندی‌های زندگی مشکلات متعددی را تجربه می‌کنند که هم بر آموزش، تربیت، و سلامت جسمی و روحی آنان و در کل، همه اعضای خانواده تأثیر منفی دارد. از دیگر موضوعاتی که بهزیستی خانواده را تحت تأثیر قرار می‌دهد و در تحلیل مصاحبه‌ها نیز به خوبی مشهود بود مشکلات اجتماعی این گونه خانواده‌ها در بافت و فرهنگ دوگانه ایرانی و افغان بود. این وضعیت، بسیاری از مسائل زندگی آنان را تحت الشعاع خود قرار می‌دهد. بسیاری از مصاحبه‌شوندگان بر این باور بودند که اگر مطمئن بودند در افغانستان شرایط اجتماعی بهتری، دارند، حتما مهاجرت می‌کردند، لیکن قوانین حاکم بر دولت افغانستان هم برای آنان قوانین حمایتی مناسبی محسوب نمی‌شود و آنان در سردرگمی به سر می‌برند؛ چیزی که هم پدر و مادر و هم فرزندان خانواده را تحت تأثیر قرار می‌دهد. علاوه بر مشکلات اقتصادی و اجتماعی، مسائل و تفاوت‌های فرهنگی بین یک زن ایرانی و مرد افغان از جمله موضوعاتی بود که بر بهزیستی خانواده تأثیر منفی بجا می‌گذاشت. بسیاری از مصاحبه‌شوندگان معتقد بودند که نگاه مرد افغان به زن با توقعات یک زن ایرانی کاملاً متفاوت است و این موضوع بیشتر ناشی از این امر بود که بیشتر مردان افغان از فرهنگ‌های خانوادگی پایین و از گروه‌های پایین جامعه افغان می‌باشند که به ایران مهاجرت می‌کنند و ازدواج با یک دختر ایرانی را عاملی برای ثبات خود در ایران می‌دانند. فقر فرهنگی، سواد پایین و نگاه‌های سنتی به نقش زنان در خانواده با نگاه متفاوت زن ایرانی به یک زندگی خانوادگی مشکلات عمده رفتاری، عاطفی و حتی جنسی را بین زنان و شوهران و فرزندان‌شان ایجاد می‌کند.

در نهایت با توجه به یافته‌های به دست آمده پیشنهاد می‌شود برای حمایت از فرزندان حاصل از ازدواج‌های این‌چنین و همچنین بانوان برای کسب حقوق اولیه به‌ویژه در حوزه‌های تأثیر گذار همچون آموزش و پرورش و حقوق شهروندی، قوانین حمایتی و دولتی تدوین و تبیین گردد؛ به علاوه اطلاع‌رسانی و آگاه‌سازی خانواده‌ها به‌ویژه در مناطقی که این گونه ازدواج‌ها رواج بیشتری دارد برای آشنایی آنان با مشکلات، قوانین و مراحل ازدواج با یک تبعه بیگانه جهت کاهش آسیب‌ها انجام گیرد. از سوی دیگر، انجام پژوهش‌های طولی در خصوص ویژگی‌های خانوادگی،

علاوه بر توانایی مطالبه‌گری، احساس ارزشمندی اجتماعی نیز از شاخص‌های جرأت‌ورزی محسوب می‌شود که در این گروه از مصاحبه‌شوندگان، ارزشمندی اجتماعی در حداقل شرایط بود و حتی به وضوح می‌توان از نداشتن ارزشمندی اجتماعی در میان آنان صحبت کرد. ارزشمندی اجتماعی در برگیرنده ویژگی‌های شخصیتی، هوش، موقعیت اجتماعی و جایگاه خانوادگی و فردی است که متأسفانه در این گروه از بانوان کمتر مشهود بود.

علاوه بر این، ارزشمندی و پیشرفت هر جامعه‌ای بسته به سلامت و بهزیستی روحی، روانی و جسمی افراد و خانواده آن جامعه است و این‌که چگونه از توانمندی‌های فردی و قابلیت‌های آنان برای پیشرفت اهداف جامعه استفاده شود. در این راستا هر فردی، زن و مرد، دختر و پسر، جوان و کودک و سالمند همگی از سرمایه‌های اجتماعی جامعه محسوب می‌شوند که هر چه در شرایط مناسب‌تری قرار داشته باشند آن جامعه از سرمایه‌های اجتماعی بهتری برخوردار است. آنچه در سرمایه اجتماعی نکته قابل تأمل و حساسی می‌باشد میزان سلامت روحی و جسمی افراد جامعه است. جوامعی که بیشتر افراد آن از مشکلات روحی و جسمی متعددی رنج ببرند سرمایه‌های مناسبی برای پیشرفت و بهبود خود ندارد. در این ارتباط تحلیل مصاحبه‌های انجام شده حاکی از آن بود که بسیاری از بانوان مصاحبه‌شونده از مشکلات روحی به‌ویژه افسردگی و خشم، عصبی بودن و پرخاشگری انطباقی (ویژه شرایط و بحران‌هایی که در هر لحظه با آن مواجه می‌شوند) رنج می‌بردند و این نقش تأثیرگذاری آنان را به عنوان مادر در تربیت فرزندان نشان می‌دهد. در کلیه مصاحبه‌ها آنچه در زنان مشهود بود نوعی خودداری و بازداری از گفتگو و تعامل و نوعی احساس بی‌نشاطی و غمگینی بود.

علاوه بر مشکلات روان‌شناختی، بسیاری از این بانوان از مشکلات جسمی متعدد به‌ویژه مشکلات زنانگی که حاصل بی‌توجهی پزشکی در هنگام بارداری و زایمان است در رنج بودند. مشکلات جسمی دیگر همچون سردردهای پی‌پی، ضعف تغذیه، عدم رسیدگی پزشکی در هنگام بیماری‌های ساده همچون سرماخوردگی آنان را رنج می‌دهد. بسیاری از این مشکلات ناشی از نداشتن حقوق قانونی مثل بیمه و خدمات پزشکی دولتی برای آنان به‌عنوان کسانی بود که با یک تبعه افغان ازدواج کرده بودند و مشکلات بسیاری برای آنان ایجاد می‌کرد. بسیاری از آنان به بیماری‌های خود بی‌توجه بودند حال آن‌که با یک رسیدگی ساده می‌توان از بسیاری از مشکلات جسمی آتی پیشگیری کرد.

در گروهی از این بانوان که در دهه چهل سالگی قرار داشتند مشکلات متعددی از جمله سائیدگی مفاصل، پا درد، کمبود کلسیم و کم‌رود زودرس و حتی در گروهی از آنان یائسگی زودرس مشاهده می‌شد که ناشی از تغذیه نامناسب و عدم رسیدگی به



شرکت‌کنندگان و قدردانی از شرکت‌کنندگان جهت حضور در مصاحبه و پژوهش با تقدیم هدایا مورد توجه قرار گرفت.

### حامی مالی

مقاله حاضر مستخرج از طرح پژوهشی اداره کل امور اتباع و مهاجرین خارجی استانداری استان فارس است.

### مشارکت نویسندگان

کلید مطالب مقاله توسط نویسنده انجام شده است.

### تعارض منافع

این نوشتار برگرفته از طرح پژوهشی اداره کل امور اتباع و مهاجرین خارجی استانداری استان فارس است و با منافع شخصی یا سازمانی منافات ندارد.

### References

- Imani Naini M, Sadeghi M, Abdi F. A comparative study on marital satisfaction among Iranian women who married Iranian and Non-Iranian Men. *The Quarterly Journal of Women and Society* 2012; 3 (2(10)): 81-100
- Azadeh MA, Mozzafari K. Isolation of Iranian women who are married to foreign men (Iraqi-Afghan) and influential factors. *Journal of Investigation of Social affairs of Iran* 2018; 8(2): 55-76
- Ahmadi K. The Role of Educational System on Education and Informing about Knowledge and Skills of Forming a Family and Marriage to High School Students (Thesis). Shiraz Iran. Univ Shiraz; 2013
- Dolan FE. Re-reading Rape in "The Changeling". *Journal for Early Modern Cultural Studies*. 2011 Apr 1:4-29.
- Dixon DC. Christian spirituality and marital health: A phenomenological study of long-term marriages. Liberty University; 2013.
- Sargazi H. Investigating Legal Rules of Marriage of Iranian Women with Foreign

فردی و اجتماعی در ازدواج با اتباع بیگانه، ضروری به نظر می‌رسد. همچنین ضروری است پژوهش‌های ترکیبی در خصوص فرزندان حاصل از چنین ازدواج‌هایی برای شناسایی مشکلات و مسائل آنان انجام شود. افزون بر این اهمیت دارد که در مناطق، محله‌ها، شهرها و روستاهایی که این گونه ازدواج‌ها در آنها رواج دارد، پژوهش‌هایی انجام شود که تغییرات ساختار اجتماعی را نشان دهد. علاوه بر پیشنهادهای ذکر شده قابل ذکر است دسترسی به داوطلبان به‌ویژه داوطلبانی که شرایط رفاهی و مالی بهتری داشتند از محدودیت‌های عمده پژوهش بود.

### پیروی از اصول اخلاق پژوهش

در پیروی از مسائل اخلاقی پژوهش حاضر در بخش مصاحبه‌های انجام شده، کلید نکات اخلاقی از جمله موافقت آگاهانه، آشکار بودن ماهیت پژوهش و پژوهشگر و پیشگیری از هرگونه خسارت و صدمه به شرکت‌کنندگان، ضبط مصاحبه با اجازه

Civilians (Thesis). Marvdasht Iran. Islamic Azad University; 2016

- Naseri, K. Afghan Immigrants in Iran and their Census. *Journal of Goftogu (Conversation)*. 2000; 30: 167-170

- Massey, D.S., Arango, J., Hugo G, Kouaouci A, Pellegrino A, Taylor JE. Theories of international migration: A review and appraisal. *Population and development review*. 1993 Sep 1:431-66.

- Kurekova, L. Theories of migration: Conceptual review and empirical testing in the context of the EU East-West flows. In *interdisciplinary conference on migration. Economic change, social challenge 2011 Apr 6 (Vol. 4, pp. 6-9)*.

- Tavasoli Naeini, M. Reflection about the Situation of Children from Marriage of Foreign Men and Iranian Women with regard to 1989 Convention on the Rights of Child. 2011; 2(1): 37-58.

- Tavasoli Naeini, M. Reflection about the Legal Situation of Children without Identity Card from Marriage of Foreign Men and Iranian Women. *Journal of Islamic Law*. 2009; 6(22): 133-149

- Yazdanpanah Dreo, K. Review of Afghan refugee women married to Iranian girls and effects and social consequences of the country based on the geography of crime

and social problems. *Journal of Women in Culture and Art*. 2015; 7(3): 343-358.

- Dehghan, Y. Presence of Foreign Citizens in South Khorasan Province and its effects on stable Discipline and security in the region. In: National Congress on south Khorasan, Discipline and Security; 2013 Apr 24-25; Birjand Iran. SID 2013

- Mo'tamedi S H, Nikian Y, Reza-Zadeh S. Study of Prevalence of Depression in Afghanian Refugees in Bardsir's Camp. *rehab*. 2003; 4 (1): 22-27

- De Jong, J.P., Scholte, W.F., Koeter MW, Hart AA. The prevalence of mental health problems in Rwandan and Burundese refugee camps. *Acta Psychiatrica Scandinavica*. 2000 Sep;102 (3):171-7.

- Mohammadian M, Dadfar M, Bolhari J, Karimi Keisami E. Screening For Mental Disorders Among Afghan Immigrants Residing in Tehran. *IJPCP*. 2005; 11 (3): 270-277

- Bayat Z. investigating Legal situation of Afghan civilians in Iran and Determination of their Iranian spouses and their children (thesis). Safadasht Iran. Safadasht Iran. Islamic Azad University; 2016

- Pour Ahmad A, Zayyari K, Zahedi J. The Evaluation of Afghan Immigrant's Urban Quality of Life by Mental Method (Case study: Robot Karim). *Journal of Urban Geography*. 2014; 2(1): 1-15

- Morshedi S and Maarefvand M. Afghan immigrant women's food security in Farahzad and Shahrerey. *Quarterly journal of social work*. 2016; 5 (1); 34-40

- Sherkat DE. Religious intermarriage in the United States: Trends, patterns, and predictors. *Social Science Research*. 2004 Dec 1;33(4):606-25.

- Bratter JL, Eschbach K. 'What about the couple?' Interracial marriage and psychological distress. *Social Science Research*. 2006 Dec 1;35(4):1025-47.

- Hibbler DK. Interracial couples' experience of leisure: A social construction of a racialized other. University of Illinois at Urbana-Champaign; 2000.

- Zarghani, SH., Ghanbari, M., Razavinejad M. Survey and analysis of management

strategies of Afghan Immigrants in Razavi Khorasan province by using SWOT-ANP model. *Journal of Human Geography research*. 2017; 49(2): 289-305

- Jamshidiha, Gh, Anbari, M. Social belongingness and their effects on return of Afghans. *Journal of Social Sciences*. 2004; 23: 43-68

- Creswell, J.W., Poth, C.N. *Qualitative inquiry and research design: Choosing among five approaches*. Sage publications; 2016 Dec 19.

- Maykut, P., Morehouse, R. *Beginning qualitative research; A philosophic and practical guide*. The Falmer Press; 1994

- Gall M, Borg W, Gall Joyce. *Quantitative and Qualitative Research Methods in Education and Psychology*. Translation by Ahmad Reza Nasr et al. Tehran, publishing position: 2004.